

دلایل و تبیین‌های محافظه‌کاری در حسابداری

عبداله آزاد

کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و حسابدار رسمی

Azad.Abdollah @ yahoo.com

حسین عمارلو

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه تهران

چکیده

این نوشتار، به بیان دلایل و تبیین‌های محافظه‌کاری در حسابداری می‌پردازد. این تبیین‌ها عبارتند از: 1) تبیین قراردادی، 2) تبیین دعوی حقوقی، 3) تبیین مالیات بر درآمد، و 4) تبیین قانونی. پژوهشگران بر این باورند که تبیین قراردادی، قوی‌تر از سایر تبیین‌ها است و استدلال‌های محکم‌تری دارد. از این‌رو درباره‌ی این تبیین مطالب بیشتری ارائه می‌شود. در پایان این نوشتار، درباره‌ی پیامدهای محافظه‌کاری در حسابداری نیز مطالب اندکی ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: محافظه‌کاری، تاییدپذیری، بازده نامتقارن، قرارداد.

مقدمه

محافظه‌کاری¹ یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی گزارشگری مالی است که در سال‌های اخیر به خاطر رسوایی‌های مالی (در شرکت‌هایی مانند انرون² و وردکام³)، توجه بیشتری را به خود جلب نموده است و برخی مطالعات و پژوهش‌های اخیر به طور ویژه بر محافظه‌کاری تمرکز نموده‌اند. تحقیقات تجربی اخیر در مورد محافظه‌کاری نشان می‌دهند که نه تنها رویه‌های حسابداری محافظه کارانه است؛ بلکه در کشورهای انگلیسی زبان طی 30 سال گذشته این رویه‌ها محافظه کارانه‌تر شده است. این نتایج شگفت‌انگیز با مخالفت آشکار بسیاری از قانون‌گذاران بازارهای سرمایه، تدوین‌کنندگان استاندارد و دانشگاهیان روبرو شده است؛ ولی بقای طولانی مدت محافظه‌کاری و دوام آوردن آشکار آن در برابر انتقاد، مقتدرانه نشان می‌دهد که منتقدان منافع بااهمیت آن را نادیده انگاشته‌اند. اگر قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استاندارد منتقد، بدون درک منافع محافظه‌کاری در

¹ - در کشور ما، کمیته‌ی فنی سازمان حسابرسی در مفاهیم نظری گزارشگری مالی، محافظه‌کاری را به عنوان یکی از مولفه‌های خصوصیت کیفی قابل اتکا بودن در نظر گرفته، اما واژه‌ی محافظه‌کاری را به کار نبرده است، بلکه از واژه‌ی احتیاط به جای آن استفاده نموده است.

2 - Enron

3 - World Com

حذف آن تلاش کنند؛ استانداردهایی ایجاد خواهد شد که بطور جدی برای گزارشگری مالی زیان- بار است (واتز، 2003، صص 209-208، آزاد، 1388). با توجه به اهمیت محافظه کاری به عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی، پژوهشگران دلایل و تبیین‌هایی را برای آن ارائه نموده و اثرات آن را بررسی کرده‌اند.

محافظه کاری در حسابداری	
تعریف	محافظه کاری عبارتست از تاییدپذیری متفاوت لازم برای شناسایی درآمدها و هزینه‌ها، که منجر به کم‌نمایی سود و دارایی‌ها می‌شود (باسو، 1997).
دلایل	کاهش آثار خوش بینی بیش از حد مدیران
	کاهش آثار بیش‌نمایی سود و ارزشیابی‌ها
	کاهش توان گزارش اطلاعاتی که ممکن است بعداً نادرست از آب درآید.
تبیین‌ها	قراردادها
	استقراض
	قراردادهای مزایای جبران خدمات مبتنی بر سود
	دعوی حقوقی
	مالیات بر درآمد
پیامدها	قانونی
	کیفیت سود
	پایداری و توان پیش‌بینی سود
	مدیریت سود
	ارتباط ارزشی ¹ سود
	بازار سرمایه
	نظریه‌ی ارزشیابی حقوق صاحبان سرمایه
	محیط اطلاعاتی
	هزینه‌ی سرمایه
	دقت پیش‌بینی تحلیلگران
	نوسانات پس از اعلام سود
	ناقرینگی اطلاعاتی
	کارایی
قراردادها	
قراردادهای استقراض	
قراردادهای مزایای جبران خدمات مدیران	
تصمیم‌گیری‌های مالی	
هزینه‌های دعاوی حقوقی	

1 - value relevance

دلایل محافظه کاری

هندریکسن و ون بردا (1992، صص 148-149)، در کتاب تئوری حسابداری سه دلیل برای محافظه کاری آورده‌اند. نخست اینکه گرایش حسابداران به بدبینی¹ برای جبران خوش بینی² بیش از حد مدیران و مالکان ضروری است. معمولاً مالکان واحدهای تجاری³ نسبت به تجارتشان خوش بین هستند. این خوش بینی هم در انتخاب ارقام و هم در تاکید بر ارقام، در گزارش‌های حسابداری نشان داده می‌شود. در اثر فشار بستانکاران و سایر استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی، حسابداران سده‌ی نوزدهم به طور مداوم برای خودداری از انعکاس این خوش بینی در گزارش‌هایشان تحت فشار بوده‌اند. از این رو بسیاری از اصول سنتی حسابداری مبتنی بر محافظه کاری بوده و بسیاری از این مفاهیم در حسابداری امروز هم رسوخ کرده‌اند.

دو دیگر اینکه، پیش‌نمایی⁴ سود و ارزشیابی‌ها، نسبت به کم‌نمایی⁵ آنها، برای تجارت و مالکان آن خطرناک‌تر است. بدین معنی که پیامد زیان یا ورشکستگی بسیار جدی‌تر از پیامد سود است. بنابراین، چنین استدلال می‌شود که وقتی پیامد متفاوت است؛ دلیلی وجود ندارد که قواعد اندازه‌گیری و شناسایی زیان‌ها و سودها مشابه باشد. پیش فرض مبنای این استدلال این است که حسابدار برای ارزیابی ریسک، نسبت به سرمایه گذار یا اعتبار دهنده، موقعیت بهتری دارد. با این حال، ارزیابی ریسک و پذیرش یا گریز از آن قضاوتی ذهنی است که نمی‌تواند توسط حسابدار انجام شود. به جای به کار بردن محافظه کاری، باید هدف گزارش‌های مالی فراهم نمودن اطلاعات مناسبی باشد که به استفاده‌کنندگان اجازه دهد خودشان ریسک را ارزیابی نمایند.

سه دیگر، مبتنی بر این فرض است که حسابدار نسبت به سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان به اطلاعات بیشتری دسترسی دارد و حسابدار در هنگام حسابرسی با دو نوع ریسک روبرو می‌شود: از یک سو، این ریسک وجود دارد که ممکن است آنچه گزارش شده، بعداً نادرست از آب درآید. از سوی دیگر، این ریسک وجود دارد که ممکن است آنچه گزارش نشده، بعداً درست از آب درآید. محافظه کاری بدین مفهوم است که تاوان افشا بیش از عدم افشا است. ایراد این شیوه این است که شواهدی اساسی مبنی بر اینکه پیامد کدام یک از ریسک‌ها بیشتر از دیگری است وجود ندارد تا بتوان این جانبداری در گزارش‌های حسابداری را توجیه کرد. حسابدار باید تا آنجا که ممکن است برای ایجاد تعادل میان این دو ریسک تلاش کند و هر جا که ممکن است اطلاعاتی را برای ارزیابی مناسب ریسک فراهم نماید.

-
- 1 - Pessimism
 - 2 - Over Optimism
 - 3 - Entrepreneurs
 - 4 - Overstatement
 - 5 - Understatement

از دیدگاه این دو اندیشمند، محافظه‌کاری، در بهترین حالت روشی ضعیف برای برخورد با ابهام در ارزشیابی دارایی‌ها و اندازه‌گیری سود است؛ و در بدترین حالت، منجر به داده‌های حسابداری کاملاً دستکاری شده می‌شود. خطر اصلی این است که چون محافظه‌کاری روشی خام است، اثرات آن ناپایدار است؛ بنابراین داده‌هایی که به صورت محافظه‌کارانه گزارش می‌شود؛ حتی توسط آگاه‌ترین خوانندگان هم نمی‌تواند به درستی تفسیر شود. محافظه‌کاری با هدف افشای همه-ی اطلاعات مربوط و همچنین ثبات رویه در تضاد است. همچنین، ممکن است منجر به از بین رفتن قابلیت مقایسه شود؛ چرا؟ چون استانداردهای یکنواختی برای کاربرد آن وجود ندارد. بدین ترتیب هندریکسن و ون‌بردا بر این باورند که محافظه‌کاری در تئوری حسابداری جایگاهی ندارد. کم‌نمایی آگاهانه می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های ضعیف شود؛ همان‌گونه که بیش‌نمایی منجر به چنین امری می‌شود.

تبیین‌های محافظه‌کاری

علی‌رغم نظر هندریکسن و ون‌بردا (1992) پژوهشگران تبیین‌هایی را درباره‌ی گزارشگری مالی محافظه‌کارانه ارائه نموده‌اند. همه‌ی این تبیین‌ها نشان می‌دهند که محافظه‌کاری برای استفاده‌کنندگان از گزارش‌های حسابداری مفید است. بر بنیاد این تبیین‌ها، اعمال محافظه‌کاری در تنظیم صورت‌های مالی به کاربرد صورت‌های مالی در قراردادهای استقراض و مزایای جبران خدمات مدیران، دعاوی حقوقی و مالیات قابل انتساب است (رضازاده و آزاد، 1387). در ادامه به تشریح مختصر هر یک از این تبیین‌ها پرداخته می‌شود.

تبیین قراردادی¹ برای محافظه‌کاری

استفاده‌ی قراردادی از محافظه‌کاری قدیمی‌ترین کاربرد آن است و به باور پژوهشگران، این کاربرد طولانی، پیشرفت و ماهیت حسابداری و گزارشگری مالی معاصر را تحت تأثیر قرار داده و منجر به جانبداری محافظه‌کارانه شده است. در مقابل، سایر تبیین‌های محافظه‌کاری بر پدیده‌های جدیدتری متکی هستند (واتز، 2003، ص 210).

تقاضا برای محافظه‌کاری در قراردادها از **بازده‌های نامتقارن²** بین طرفین قرارداد و **ناقرینگی اطلاعاتی³** بین آنها ناشی می‌شود. دو گونه از قراردادها که منجر به حسابداری محافظه‌کارانه می‌شوند عبارتند از:

- قراردادهای استقراض¹، و

1 - Contracting Explanation

2 - Asymmetric Payoffs

3 - Information Asymmetry

- قراردادهای مزایای جبران خدمات مبتنی بر سود.²

قراردادهای استقراض

اعتباردهندگان، سهامداران و مدیران شرکت بازده‌های نامتقارنی نسبت به خالص دارایی‌های آن دارند (واتز، 2003، ص 212). بدین روی، افزایش بازده یکی از آنها، می‌تواند در پی کاهش بازده دیگری یا دیگران پدید آید. برای ساده‌سازی فرض کنید هیچ‌گونه مسائل نمایندگی³ بین سهامداران و مدیران وجود ندارد و مدیران برای بیشینه کردن ثروت سهامداران کار می‌کنند؛ ولی بین سهامداران و اعتبار (وام) دهندگان مسائل نمایندگی وجود دارد.

اگر در سررسید قرارداد، خالص دارایی‌های شرکت اعتبارگیرنده بیش از ارزش اسمی⁴ بدهی باشد؛ اعتباردهنده ارزش اسمی را دریافت خواهد کرد و مازاد ارزش خالص دارایی‌های شرکت اعتبارگیرنده، برای اعتبار دهنده مهم نیست. با این حال، چنانچه خالص دارایی‌های شرکت اعتبارگیرنده کمتر از ارزش اسمی اعتبار باشد؛ اعتباردهنده تنها ارزش خالص دارایی‌ها را دریافت خواهد کرد. اعتبار دهنده تنها وقتی در توزیع نهایی خالص دارایی‌ها سهم است که ارزش آنها کمتر از ارزش اسمی اعتبار باشد و در این صورت خالص دارایی‌ها را دریافت می‌کند؛ چرا؟ چون اعتباردهندگان در توزیع خالص دارایی‌ها، نسبت به سهامداران اولویت دارند و پس از توزیع خالص دارایی‌ها دیگر چیزی برای توزیع باقی نمی‌ماند. از سوی دیگر، هرگاه خالص دارایی‌ها کمتر از ارزش اسمی بدهی باشد؛ سهامداران در توزیع نهایی آن سهمی ندارند و خالص دارایی‌ها به اعتباردهنده پرداخت می‌شود؛ ولی، اگر خالص دارایی‌ها بیش از ارزش اسمی بدهی باشد؛ کل مازاد را دریافت خواهند نمود. اعتباردهندگان و سهامداران، هر یک منافع متفاوتی در توزیع بازده⁵ دارند. آنها همچنین منافع متفاوتی در سودها در مقابل زیان‌ها دارند. بازده‌های نامتقارن به همراه مسئولیت محدود⁶ و اطلاعات نامتقارن⁷، برای مدیران انگیزه‌ای فراهم کرده است تا کارهایی را انجام دهند که موجب کاهش ارزش شرکت شود و بتوانند ثروت را از اعتباردهندگان به سهامداران منتقل نمایند (لافوند و واتز، 2006، صص 7-8). در نتیجه اعتباردهندگان نسبت به توزیع کمتر سود و خالص دارایی‌ها علاقه‌مند هستند و می‌خواهند اطمینان یابند که دست‌کم خالص دارایی‌های شرکت بزرگتر از مبلغ قرارداد آنها خواهد بود. برای ارزیابی اعطای یک اعتبار، اعتباردهندگان علاقه دارند

1 - Debt Contracting
2 - Earning-Based Compensation Contracts
3 - Agency Problems
4 - Face Value
5 - Return Distribution
6 - Limited Liability
7 - Asymmetric Information

بدانند که احتمال وجود خالص دارایی‌های کافی در شرکت برای پوشش دادن اعتبار آنها چقدر است. معمولاً ارزش‌های آتی شرکت و خالص دارایی‌های آن تاییدپذیر نیستند. بنابراین، اعتباردهندگان، حد پایینی¹ از معیارهای تاییدپذیر ارزش جاری را بدست آورده و آنها را به عنوان وارده، در تصمیم‌گیری برای اعتباردهی به کار می‌برند. افزون بر این، آنها طی دوره‌ی اعتبار، از این حد پایین برای کنترل توانائی اعتبارگیرنده برای بازپرداخت بدهی استفاده می‌کنند (واتز، 2003، صص 212).

فعالیت‌هایی وجود دارد که مدیریت می‌تواند با استفاده از آن موجب کاهش ارزش و انتقال ثروت شود. این فعالیت‌ها سبب می‌شود که استفاده از اعداد حسابداری مندرج در گزارش‌های مالی حسابرسی شده در قراردادهای استقراض ضروری شود. چنین فعالیت‌هایی شامل پرداخت سود نقدی و سرمایه‌گذاری کمتر از اندازه، جایگزین کردن سرمایه‌گذاری‌های ریسکی با سرمایه‌گذاری-هایی که اعتباردهنده انتظار ایجاد آن را دارد و استقراض بیشتر برای رقیق کردن ادعای موجود اعتبار دهنده است. برای نشان دادن یکی از اینگونه فعالیت‌ها مثالی از سود سهام و سرمایه‌گذاری کمتر از اندازه ارائه می‌شود. وجود قراردادهای استقراض برای مدیر یا سهامدار انگیزه‌ی صرف‌نظر از پروژه‌های دارای خالص ارزش فعلی مثبت و در نتیجه پرداخت سود سهام را ایجاد می‌کند؛ این امر ممکن است موجب می‌شود که در سررسید اعتبار، خالص دارایی‌ها کمتر از ارزش اسمی بدهی شود. چنین تلاش‌هایی برای انتقال ثروت به سهامداران و به هزینه‌ی اعتباردهندگان، ارزش شرکت را می‌کاهد. اعتباردهندگان چنین فعالیت‌هایی را پیش‌بینی می‌کنند و قراردادهای استقراض را مقید به شرایطی می‌کنند که چنین انتقال‌هایی را محدود می‌کند. نمونه را، محدود کردن پرداخت سود سهام و ذخیره نمودن آن با ایجاد سود انباشته است. اگر چنین محدودیتی موثر باشد؛ مدیریت راهی برای انتقال ثروت از اعتباردهنده ندارد و پروژه‌های دارای خالص ارزش فعلی مثبتی را اجرا خواهد کرد که ثروت مشترک همه‌ی طرف‌ها را افزایش می‌دهد (لافوند و واتز، 2006، صص 7-9).

تفاوت میان سود و خالص جریان‌های نقدی، اقلام تعهدی حسابداری² نامیده می‌شود و شامل مقداری از جریان‌های نقدی آتی سود است. احتمال دارد بین مدیر و اعتباردهنده درباره‌ی این جریان‌های نقدی آتی ناقصی اطلاعاتی وجود داشته باشد و احتمالاً مدیر اطلاعات بیشتری دارد. برای مثال، مدیر درباره‌ی قابلیت وصول حساب‌های دریافتی اطلاعات بیشتری دارد. برای موفقیت در محدود کردن تقسیم بیش از حد سود سهام و جلوگیری از کاهش در ثروت مشترک همه‌ی طرف‌ها، باید اقلام تعهدی افزایش دهنده‌ی سود که توسط مدیریت مطرح شده و مبنای جریان‌های نقدی آتی است تاییدپذیر باشند؛ وگرنه، مدیر با استفاده از برتری اطلاعاتی‌اش می‌تواند با بیش-

1- Lower bound

2 - Accounting Accruals

نمایی ارقام تعهدی، برای مثال با شناسایی درآمدی که قابلیت وصول آن با ابهام روبرو است؛ از محدودیت تقسیم سود طفره رود (واتز و زیمرمن، 1986، ص 214). از سوی دیگر، ممکن است مدیر با استفاده از برتری اطلاعاتی اش، اطلاعاتی را درباره‌ی زیان‌هایی که ارقام تعهدی مربوط به آن موجب جلوگیری از تقسیم سود می‌شوند و شاید موجب انحلال شرکت شوند را ارائه نکند. شناسایی تمامی زیان‌های محتمل مربوط به خالص دارایی‌های موجود، به‌علاوه‌ی الزام به شناسایی سودهای تاییدپذیر (محافظه کاری) موجب اطمینان از این می‌شود که سود ذخیره شده‌ی موجود و آماده برای توزیع، احتمالاً برآوردی قطعی¹ از کمینه‌ی افزایش در خالص دارایی‌ها است؛ و احتمال پرداخت سودهای ثروت‌کاه² را کاهش می‌دهد. تاییدپذیری متفاوت سودها و زیان‌ها (محافظه کاری) هزینه‌های نمایندگی را می‌کاهد و ارزش کلی شرکت را می‌افزاید (لافوند و واتز، 2006، صص 9-10).

قراردادهای مزایای جبران خدمات

قراردادهای مزایای جبران خدمات مبتنی بر سود مدیران نیز موجب تقاضا برای محافظه‌کاری می‌شود. در این‌گونه قراردادها، موقعیت مدیر نسبت به سهامداران همانند موقعیت سهامداران نسبت به اعتباردهندگان در قراردادهای استقراض است. همانند سهامداران، مدیر تنها هنگامی در بازده سهم است که بازده ویژه‌ی کسب شود؛ از این‌رو، وی به قسمت‌هایی از توزیع بازده علاقه‌ی بیشتری دارد. همان‌گونه که ممکن است سهامداران برای توزیع سود به بیش‌نمایی سود علاقه‌مند باشند؛ مدیر نیز برای بیش‌نمایی سود به منظور دریافت و افزایش مزایایش، در طرح مبتنی بر سود، انگیزه‌هایی دارد. افزون بر این، مدیر دارای دوره‌ی تصدی محدود و همانند سهامداران، مسئولیت محدود می‌باشد. پس از انفصال مدیر از خدمت در شرکت، بازیافت اضافه پرداخت مزایای جبران خدمات، بسیار مشکل است. این امر برای مدیران انگیزه‌ی استفاده از اطلاعات نامتقارن درباره‌ی جریان‌های نقدی آتی را برای بیش‌نمایی سود و انتقال ثروت از سهامداران ایجاد می‌کند. محافظه-کاری، توانایی مدیران را در استفاده از اطلاعات برای بیش‌نمایی سود، ایجاد چنین انتقال ثروتی و زیان‌های ناشی از این فرایند، می‌کاهد (همان، صص 12-13).

تبیین دعوای حقوقی³

دعوای حقوقی مبتنی بر قوانین اوراق بهادار نیز انگیزه‌ی دیگری برای محافظه‌کاری است؛ چرا؟ چون هنگامی که سود و خالص دارایی‌ها بیش‌نمایی می‌شوند؛ احتمال اقامه‌ی دعوی بر علیه مدیران

1 - Hard

2 - Wealth - Reducing

3 - Litigation Explanation

و حسابرسان شرکت، بیشتر از موقعی است که آنها کم‌نمایی می‌شوند. از آنجا که هزینه‌های مورد انتظار دعوی حقوقی ناشی از بیش‌نمایی، بیشتر از کم‌نمایی است؛ مدیریت و حسابرسان انگیزه دارند تا ارزش‌های محافظه‌کارانه را برای سودها و خالص‌داری‌ها گزارش کنند. برخلاف تبیین قراردادی برای محافظه‌کاری، کاربرد تبیین دعوی حقوقی در ایالات متحده تازگی دارد. کوتاری و دیگران در سال 1988 خاطر نشان ساختند که دعاوی حقوقی مبتنی بر قوانین اوراق بهادار تا قبل از سال 1966 نادر بوده است (واتز، 2003، ص 216).

تبیین مالیات بردرآمد¹

سود مشمول مالیات و روش‌های محاسبه آن با سود گزارش شده رابطه دارد و بر نحوه‌ی محاسبه‌ی آن موثر است. رابطه‌ی بین سود مشمول مالیات و سود گزارش شده، انگیزه‌ی معوق کردن سود و در نتیجه معوق کردن پرداخت مالیات و کاهش ارزش فعلی مالیات را فراهم می‌سازد. بطور کلی، این انگیزه نیز همانند قراردادهای منجر به کم‌نمایی خالص‌داری‌ها می‌شود. رابطه‌ی بین سود گزارش شده و سود مشمول مالیات، در تعدادی از شرکت‌هایی که به تازگی در جستجوی بازیافت اضافه پرداخت‌های مالیاتی هستند (مانند شرکت وردکام)، به روشنی دیده می‌شود. این موارد در مسیری مخالف با ایجاد محافظه‌کاری ناشی از مالیات در روش‌های گزارشگری، قرار دارند؛ ولی باید توجه داشت که در موارد تقلب، ملاحظات گزارشگری نسبت به ملاحظات مالیاتی پیشی می‌گیرند (واتز، 2003، ص 216-217).

تبیین قانونی²

قانونگذاری نیز انگیزه‌هایی را برای محافظه‌کارانه بودن صورت‌های مالی شرکت‌ها ایجاد می‌کند. به نوشته‌ی واتز زیان‌های ناشی از دارایی‌هایی که بیشتر از واقع ارزشیابی³ شده‌اند و سودی که بیش‌نمایی شده است؛ نسبت به سودهای صرف‌نظر شده به خاطر دارایی‌هایی که کمتر از واقع ارزشیابی⁴ شده‌اند، یا سودی که کم‌نمایی شده است؛ در فرایند سیاست‌گذاری حسابداری⁵ مشهودتر⁶ و کاربردی‌تر⁷ است. این پدیده انگیزه‌ی محافظه‌کارانه بودن را برای قانونگذاران و تدوین

1 - Income Tax Explanation
2 - Regulatory Explanation
3 - Overvalued Assets
4 - Undervalued Assets
5 - Political Process
6 - Observable
7 - Useable

کنندگان استانداردها فراهم می‌سازد و سبب شده است که کمیسیون بورس و اوراق بهادار طی سی سال اولیه فعالیتش ارزشیابی رو به بالای¹ دارایی‌ها را ممنوع نماید (واتز، 1977، ص 67). با وجود انگیزه‌های قانونی برای محافظه کاری، به نظر می‌رسد که در سال‌های اخیر، گهگاه تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری این انگیزه‌ها را نادیده گرفته‌اند. برخی از اقدامات اخیر آنها و پیام‌هایشان بی‌طرفی² را مطلوب قلمداد کرده و با هرگونه جانبداری مخالف است. بیانیه‌ی مفاهیم شماره‌ی دو هیات استانداردهای حسابداری مالی (1980) این موضع را برگزیده است؛ و برخی از استانداردهای حسابداری جدید با جانبداری از محافظه کاری ناسازگار به نظر می‌رسند (واتز، 2003، ص 217).

پیامدهای محافظه کاری

بخش بزرگی از پژوهش‌های تجربی درباره‌ی محافظه کاری حسابداری، به تبیین وجود آن و آزمون شرایطی پرداخته‌اند که سبب بروز آن می‌شود. برخی پژوهش‌ها، محافظه کاری حسابداری را چونان نماینده‌ی³ کیفیت گزارشگری مالی⁴ و یا کیفیت اطلاعات⁵ بکار برده‌اند. بنیاد این پژوهش‌ها بر این است که محافظه کاری برای گزارشگری مالی سودمند است. برخی پژوهش‌ها نیز به روشنی، منافع و هزینه‌های محافظه کاری در حسابداری را بررسی کرده‌اند. از اینرو، یافته‌ها و تفاسیر ناساز این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که محافظه کاری حسابداری یکی از زمینه‌های جنجال برانگیز در میان پژوهشگران تجربی و تدوین کنندگان استاندارد است.

هیات استانداردهای حسابداری مالی در سال‌های اخیر کوشیده است تا گزارشگری مالی را از محافظه کاری دور سازد و به سوی بی‌طرفی بکشانند. بیانیه‌ی شماره‌ی 2 مفاهیم بنیادی حسابداری درباره‌ی کاربرد محافظه کاری هشدار داده بود؛ ولی کنار گذاشتن آن در بیانیه‌ی شماره‌ی 8 نشانگر دگرگونی بااهمیتی در دیدگاه استانداردها گزارشگری مالی می‌باشد (راچ و تیلور، 2011).

برخی پژوهشگران بر این باورند که حرکت به سوی بی‌طرفی، برای گزارشگری مالی و کیفیت اطلاعات زیان‌بار خواهد بود (واتز، 2003؛ لافوند و واتز، 2008). با وجود این، بررسی پژوهشگرانی دیگر نشان می‌دهد که ممکن است محافظه کاری کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت اطلاعات را خدشه‌دار کند (گیوای و ورچیا 2006؛ گیگلر و همکاران 2009).

1 - Upward

2 - Neutrality

3 - proxy

4 - financial reporting quality

5 - information quality

پژوهش‌های پیشین درباره‌ی اثرات و پیامدهای محافظه‌کاری در حسابداری را می‌توان در زمینه‌های زیرگروه‌بندی کرد:

1. **کیفیت سود:** که به بررسی اثرات محافظه‌کاری بر سود حسابداری گزارش شده می‌پردازد؛
2. **بازار سرمایه:** که به بررسی اثرات محافظه‌کاری بر ارزشیابی سهام، محیط اطلاعات، هزینه‌ی سرمایه‌ی صاحبان سهام، ناقرینگی اطلاعاتی و پیش‌بینی تحلیلگر می‌پردازد؛ و
3. **کارایی قراردادها:** که به بررسی اثرات محافظه‌کاری بر توانایی طرفین قراردادها در دستیابی به نتایج سودمند برای طرفین می‌پردازد (راچ و تیلور، 2011).

خلاصه و نتیجه‌گیری

برای بهبود گزارشگری مالی، بازشناختن اهمیت تاییدپذیری و نقش تاییدپذیری نامتقارن درآمدها و هزینه‌ها (محافظه‌کاری) در رفع برخی مشکلات، از جمله مشکل نمایندگی، امری مهم است. به‌طور خلاصه، با توجه به تبیین‌های ارائه شده برای محافظه‌کاری می‌توان گفت:

- در قراردادهای بدهی، محافظه‌کاری این احتمال را کاهش می‌دهد که مدیریت بخواهد از پروژه‌های دارای خالص ارزش فعلی مثبت بکاهد؛ سودها و دارایی‌ها را بیش‌نمایی کند؛ و اقداماتی در جهت پرداخت سود تصفیه‌ی سهام به سهامداران و به هزینه‌ی ذینفعان بدهی انجام دهد.
- در قراردادهای مزایای جبران خدمات، محافظه‌کاری این احتمال را کاهش می‌دهد که مدیران بخواهند به جای تلاش برای دستیابی به پروژه‌های دارای خالص ارزش فعلی مثبت، تلاشی را صرف بیش‌نمایی خالص دارایی‌ها و سودهای انباشته نمایند تا دارایی‌های شرکت را به خودشان منتقل کنند.
- در حاکمیت شرکتی، محافظه‌کاری نشانه‌های به موقعی برای بررسی وجود پروژه‌های دارای خالص ارزش فعلی منفی (در صورت وجود) و انجام اقدامات لازم فراهم می‌نماید. محافظه‌کاری، اختیار سهامداران را برای بهره‌برداری از حقوقشان نسبت به دارایی‌هایشان حفظ می‌کند.
- در دعاوی حقوقی، از آنجا که هزینه‌های مورد انتظار دعوی ناشی از بیش‌نمایی سود و خالص دارایی‌ها بیش از کم‌نمایی آنهاست؛ محافظه‌کاری چنین هزینه‌هایی را کاهش خواهد داد.
- در تبیین مالیات بر درآمد، محافظه‌کاری با کم‌نمایی خالص دارایی‌ها و سود، موجب کاهش ارزش فعلی مالیات می‌شود.

- در تبیین قانونی، محافظه‌کاری از بار هزینه‌های سیاسی ناشی از بیش‌نمایی سود و خالص دارایی‌ها می‌کاهد.

در نهایت، گرچه یافته‌های پژوهش‌های پیشین درباره‌ی اثرات و پیامدهای محافظه‌کاری در حسابداری، با یکدیگر تفاوت دارد؛ می‌توان گفت که محافظه‌کاری موجب بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌شود و به وسیله‌ی کاهش در فعالیت‌های ایجاد کننده‌ی نقص در عملکرد، موجب افزایش ارزش شرکت شده و منافع آن بین همه‌ی ذینفعان شرکت تسهیم می‌شود.

منابع

- 1- رضازاده، جواد و عبدالله آزاد، 1387، **رابطه‌ی بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی**، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره 54، صص 80-63.
- 2- آزاد، عبدالله، 1388، **تعریف و مفهوم محافظه‌کاری در حسابداری**، فصل‌نامه‌ی حسابدار رسمی شماره‌ی 8 (پیاپی 20)، صص 129-125.
- 3- کمیته‌ی فنی سازمان حسابرسی، 1381، **استانداردهای حسابداری**، سازمان حسابرسی، نشریه‌ی 160.

- 4- Basu. S; 1997, **the conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings**, *Journal of Accounting and Economics*. PP 24, 3-37
- 5- Financial Accounting Standards Board (FASB), 1980. **Statement of Financial Accounting Concepts no. 2, Qualitative Characteristics of Accounting Information**. FASB, Norwalk, CT.
- 6- Gigler, F., C. Kanodia, H. Sapat, and R. Venugopalan, 2009, **Accounting conservatism and the efficiency of debt contracts**. *Journal of Accounting Research* Vol 47 (3) (Jun), 767.
- 7- Guay, W., and R. Verrecchia, 2006, **Discussion of an economic framework for conservative accounting**, *Journal of Accounting & Economics* Vol 42 (1/2) (Oct), 149.
- 8- Hendriksen, E. S. and McHel F. Van Breda. 1992. **Accounting Theory**. Irwin
- 9- Laffond, R. and R. L. Watts. 2006. **The Information Role of Conservative Financial Statements**. Available at: www.SSRN.Com.
- 10- LaFond, R., and R. Watts, 2008, **The information role of conservatism**, *The Accounting Review* Vol 83 (2) (Mar): 447.
- 11- Ruch, W, George.and Gary Taylor, 2011, **Accounting Conservatism and its Effects on Financial Reporting Quality: A Review of the Literature**. Available at: www.SSRN.Com.
- 12- Watts, RL, 1977. **Corporate Financial Statements, a Product of The Market and Political Processes**. *Australian Journal of Management* 2, PP 53-75.
- 13- Watts, RL, 2003. **Conservatism in Accounting Part i: Explanations and Implications**. *Accounting Horizons* Vol 17, 207-221.
- 14- Watts, RL. And J. L. Zimmerman. 1986. **Positive Accounting Theory**. Prentice-Hall Inc, Englewood Cliffs, N.J.